

به شدت انقلابی، به شدت غیر دولتی

از نظر شما داستان مذهبی باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد؟!

بینید هنوز زود است که ما بخواهیم این مؤلفه‌ها را شناسیم چراکه ما در زمینه ادبیات داستانی دین مدار یا به قول شما مذهبی، آثار کمی داریم و تعداد این آثار آنقدر نیست که شواد اصول مؤلفه‌های آن را شناسایی و معرفی کرد. به نظر من ما برخلاف داستان، در عرصه شعر بسیار پر تجربه هستیم و لذا می‌توان این مؤلفه‌ها را از جریان نقد شعر پیدا کرد چراکه حساس شخصی من این است که همه ما داستان نویسان مثل تیمم بدل از وضع، به جای شعر، داستان می‌گوییم.

گویا شما چندان اعتقادی به برگزاری
کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی ندارید؟

همین طور است. متأسفانه در حال حاضر
آن قدر دکان و دستگاه درست شده که من به
شخصه با کلاس های آموزش داستان نویسی
برای مخالفت می کنم و معتقدم یک جور
فضای مرید و مرادی شکل گرفته است برای
عددهای و من به شخصه چنین فضای را
می بینم و به دنبال آن هم نبوده و نیستم. از
طرفی به عقیده من کلاس داستان نویسی ای
که فرد را از مطالعه باز بدارد، از بخ و بن چیز
غاظطی است و بر عکس باید فضا طوری باشد
که داستان نویس یا کسی که علاقه مند به
داستان نویسی است به سمت مطالعه ترغیب
شود. جدای از بحث مطالعه یک راه مهم
آنکه کارگاهی است.

درباره ادبیات دفاع مقدس به عنوان ژانر
مورد علاقه شما جه صحبتی، داردید؟

طبعاً درباره جنگ، زیاد سیاهنمایی با
سیفینمایی درست نیست و در مقابل این دو
حریبان افراط و تقریط، راه درست راه اعتدال
است. من فکر می کنم بخش عمدۀ گرفتاری‌ها
در زمینه ادبیات دفاع مقدس همین افراط و
تقریط است. دقت کنید عده‌ای جنگ ندیده،
که فضای رویایی را در زمینه جنگ خلق
کرده‌اند که تبعاتی دارد؛ مثلاً اینکه نسل بعد،
جنگ را نمی‌شناسد و برای او جالش جدی
بحدام می‌شود.

گفت و گویارضا امیر خانی داستان نویس

**مسئولان غیر فرهنگی فرست طلب؛
مهمنترین آفت ادبیات انقلاب**

ادبیات انقلاب اسلامی رو به شکوفایی است

یادم هست در جایی گفته بودید که ما
هنوز توانسته ایم هنر انقلاب اسلامی را
سازیم. با توجه به این مسئله، در حال حاضر
روای ادبیات انقلاب اسلامی و نویسندهای این
مورخه که طبعاً شما هم جزو آنها هستید، چه
شان و حاتم‌گاه، قالبید؟

خوبیخانه امروز نسل نویسنده‌گان ادبیات
نظامی در بالاترین سطح نویسنده‌گی
قرار دارد، کما اینکه آثارشان هم پس از
پیروزی انقلاب با بالاترین اقبال روبرو شده
است. البته این صرفاً حرف بندۀ نیست، بلکه
شمارگان کتاب‌ها، صفت نشر و به ویژه اقبال
مخاطبان این حقیقت را شناس می‌دهد و صد
لبته که این مستله کنمان شدنی هم نیست.

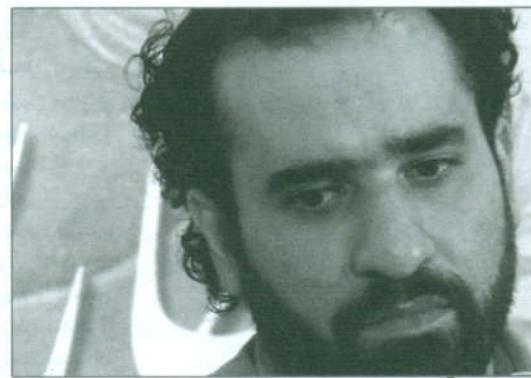
از سوی می‌بینیم این فضا برای اولین بار است که پس از انقلاب در کشور ما تجربه می‌شود و اذندا کفران نعمت است اگر قدر آن را ندانیم چه تنگه قدرنشاسی ما همان و سختتر شدن کار برای اینده همان!

شما در زمینه همین ادبیات انقلاب چه آفات یا تهدیدهایی را مهم و قابل توجه می‌دانید؟

مهمنه ترین افت در این خصوص، مسئولان غیر فرهنگی ای هستند که بخواهند از این آب، ماهی مقصود خود را بگیرند.

لکته مهم دیگر در این باره این است که نسل کنونی نویسندهای ادبیات انقلاب اسلامی در حقیقت برای ادامه راه از دو گردن «به شدت» میتواند کنند که باید مراقب و حساس باشند؛ گردن اول اینکه به شدت انقلابی باشند و گردن دیگر اینکه به شدت غیر دولتی باشند.

سید محمد مهدی موسوی

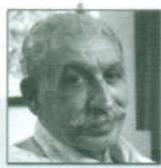


१३६

«ارمنیا»، «ازبیه»، «من او»، «داستان سیستان» و مقاله بلند «نشست نشا» از جمله آثار چاپ شده رمان‌نویس جوانی است که اخیرین کتابش «بی و تن» را برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اماده کرده است.

برگزاری همایش «بررسی ادبیات داستانی در
جامعه دینی» در قم در اسفندماه سال گذشته
فرصت مناسبی را پیدی آورد تا با رضا امیرخانی،
رمان‌نویس صاحب سبک کشورمن گپ و
گفتگو داشته باشم.





برای مردی که نادر بود

نفرار بود در این ستون درباره نادر ابراهیمی بنویس که چندی پیش فوت کرد (قبل از آن یک دوره بیماری چند ساله از کار انداخته بودش) و در نمایشگاه کتاب امسال ادبی شده بود به پر فروش ترین داستان نویس ایران. من لبته نادر را آن قدر می‌شناختم و دوستش داشتم که وقتی خبر رفتش را شنیدم برای همه دوستانم پیامک بفرستم و صوات طلب کنم به روحش، اما این حد از شناختن و نوشت داشتن کافی نیست که بتوانی برای نادر بنویسی. ین حرف که درباره بربخی بزرگان، تهها خودشان باید سخن بگویند، به طرز با شکوهی نادر ابراهیمی را شامل می‌شود. پس من سکوت می‌کنم و این هم جمله گزیده‌هایی از لایه‌لای پنج کتاب از مجموع حدوداً نود کتابی که نادر تقدیم نسل من کرد: عزیز من! عروسک‌های کوکی، بدترین عروسک‌های دنیا هستند، چراکه بدون ایمان، بدون عشق، بدون اراده و بدون شعور حرکت می‌کنند و چیزی از این خطرناک تر برای سعادت انسان وجود ندارد.

ابوالمشاغل، ص ١٩١

کسی که نجابت را دکان می‌کند، به نجابت و شرافت خودش ایمان و اعتقادی ندارد.

من دیگر نیستم، نیستم تا که به جانب تو باز گردم و با
بین خود - که در چهای است به سوی فضای نیلی و زنده
دوسن داشتن - شب را در دیدگان تو بیارایم. نیستم تا
که بگوییم گنجشکها در میان درختان نارنج با هم چه
می‌گویند، جبرجریکه‌ها چرا برای هم اواز می‌خوانند و چه
پیامی سگ‌ها را اعماق شب بر می‌انگذند.

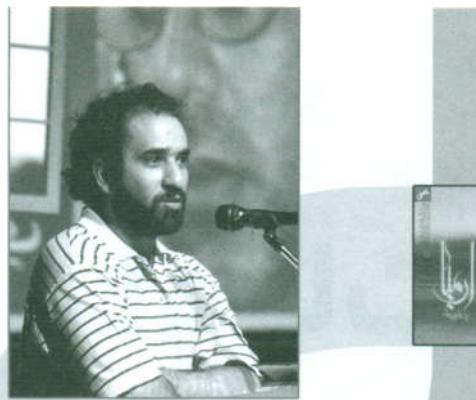
بار دیگر شهری که دوست می‌داشم، ص ۳۹

می‌روم، زیرا در میانه میدان ماندن، از هفتاد سو به تیر
بلای ابلهان گرفتار آمدن است و از یا در افتادن جسد،
سودی به انسان نمی‌رساند، اما هجرت می‌تواند قرین
ساختن و پیش بردن یافتد.

^{۲۵۷} مردی در تبعید ابدی، ص

اما، وقت بی مصرف مانده و بیوی ناگرفته سپسایاری در کیسیه هایمان داریم؛ وقتی که تباہ می کنیم، می سوزانیم، به بطالت می گذرانیم، سپسایاری از ما می توانیم پسچ برابر، ده برابر، یا بیست برابر آنچه کار می کنیم، کار کنیم، بیاد نگیریم، بیافرینیم، تغییر بدھیم. انسان شهری، عجیب در بیکارگی و بطالت فرو رفته است.

یک عاسفانه ارام، ص ۱۱۱



و اما اصل قضیه اینکه لغت‌سازی در زبان فارسی تنها یا از طریق پیشوند و پسوندسازی یا ساختن لغت مرکب است. برای لغت‌سازی ما باید به توجه بیشتر به پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی و نیز بن‌های ماضی و مضارع و... داریم.

با این همه، لغت‌سازی بندۀ در نگارش مدبون استفاده از رایانه است چراکه نوشتن با رایانه یا همان تایپ به من این ایده را داد که لغات را جدای از هم بنویسم؛ مثلاً رهبر را جدا بنویسم. از طرفی هم الان ما سر و کارمان بیشتر با خط ماشینی است و اغلب نامه‌های اداری مان هم خط تایپی است. لذا ما امروزه کمتر از گذشته با خط تحریری سر و کار داریم و همان طور که خدمتمن عرض کردم، تایپ به من کمک کرد تا بتوانم لغات را به صورت جدا از هم

خلاصه کلام اینکه من نمی‌توانم دفاع عقلی چندانی از نوع رسم الخط در آثارم داشته باشم. شاید این مسئله بیشتر جنبه سلیقه‌ای داشته باشد تا جنه‌های دیگر.

درباره بحث ممیزی کتاب چه نظری دارد؟

خط، بودن ممیزی و جوب عقلی دارد؛ مثل اینکه شما وقتی ساندویچی می‌روید، دوست دارید مطمئن شوید که فی المثل اداره بهداشت از انجا بازرسی لازم را داشته است، اما تأسفانه در بعضی دولت‌ها ممیزی کتاب دارای ایرادات بسیاری بوده است. شما توجه داشته باشید عقلاً ممیزی در خصوص نیت افراد ممکن نیست، اما اگر درست نگاه کنیم، اصل وجود ممیزی در تبعات یک نوشته باید باشد. اینکه مثلاً یک کتاب ۲ هزار تیرازی در جامعه تبعات منفی داشته باشد، اینجا ممیزی لازم است.

برخی معتقدند ادبیات دینی و مذهبی در کشور ما جریان اصلی به شمار نمی‌آید. نظر شما درباره این گفته چیست؟

خوشبختانه و برخلاف سیاهنامی‌های عده‌ای ما در شرایط کنونی در مرحله آغاز ساخت تمدنی مبتنی بر انقلاب اسلامی هستیم. در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم بسیار کوشیده می‌شود تا ما نسبت به انقلاب و ادبیات و هنر انقلابی تالمیذ شویم، اما من به شخصه نسبت به آینده امیدوارم و نسبت به وضعیت امروز هم خوش‌بین هستم.

اما اینکه بعضی‌ها می‌گویند آقا ما چرا در ایران نمی‌توانیم مثلًا هری پاتر بتونیسیم، خب طبیعی است؛ چراکه هری پاتر متعلق به تمدن غرب است و در تمدن اسلامی - ایرانی ما قابلیت هری پاتر بتونیسی اساساً وجود ندارد که بتوانیم با

سوابنق: در کل باید توجه داشت که ما هم اینک در مرحله ساخت آن تمدن مورد نظر هستیم که در این میان، هر کدام از ما یک سریاز هستیم و باید پتوانیم وظیفه خودمان را در هر مقامی و جایگاهی که هستیم به خوبی انجام دهیم.

بحتی که معمولاً درباره آثار شما به میان می‌آید، در مورد نوع رسم الخطی است که در کتاب‌های شما به کار می‌رود؛ شما چه علاقه‌ای به جدانتویسی کلمات دارید؟!

تمام کسانی که در عرصه ادبیات کار می‌کنند، وظیفه مهمشان پاسداری از زبان فارسی است؛ چون لغتسازی در این زبان دشوار است و اصل زبان فارسی هم معمولاً در معرض خطر است. شما ببینید ما چقدر در زبان فارسی تولید لغاتمنان کم است. به همین خاطر این وظیفه‌ای که به آن اشاره کردم خیلی مهم

از این رو ما نویسنده‌گان به عنوان پاسدار زبان فارسی به مشکل لغت‌سازی که حقیقتاً هم بزرگ‌ترین مشکل ماست واقعیم، اما بر عکس عرب‌ها تا حدود بسیار زیادی توانسته‌اند این مشکل را حل کنند.